

چون در سطح نگرستی به عمق هم بنگر

تبصره چند پیرامون نوشته دانشمند محترم ولی احمد نوری

«چون عیش بنمودی هنرش نیز بگو»

رسانه های صوتی، تصویری و طباعتی آئینه قد نمای اندیشه های گویندگان و نویسندگان است. ایشان در دوران خدمات فرهنگی در اذهان عامه راهی پیدا نموده، در جامعه برای خود اعتبار و احترام کسب مینمایند و یا برعکس آن تراوشات اندیشوی تا حدی زیاد ممثل طرز دید و برخورد گوینده و نویسنده در جمیع موضوعات مورد نظر خواهد بود مشروط به اینکه رابطه صادقانه بین گفتن و نوشتن و احساس درونی و قلبی موجود باشد. گیرنده از لای این پدیده ها برداشت خود را نموده توقعات و انتظاراتش در حیطه همین شناخت شکل میگیرد.

دانشمند محترم نوری صاحب هم با ابراز نظریات وطندوستانه، ملی گرایانه، با عواطف خاص بشری و عشق به میهن، اعتبار و احترام خاص خود را بین هموطنان و خوانندگان پورتال ملی، مردمی و حق پسند افغان جرمن آنلاین کمایی نموده اند که توقعات مردم از ایشان در قالب همین صفات است.

تحریر این تبصره، البته که طنز نیست، ابراز نظر دوستانه بوده بی حرمتی به نوری صاحب تلقی نگردد و جناب شان البته که فهم و دانش درک این موضوع را دارند.

- شما نوشتید "که راپور David Rose (دیوید روز) از نشریه Vanity Fair (ونتی فییر) **ناجا، بیجا و بیمورد** بوده و از ابتدا نه راپور و نه ترجمه و نه اظهارات نظر مربوط موردعلاقه شما قرار گرفته."
- باید بعرض رسانید که این راپور برعکس بسیار بجا، با محل و به مورد بوده است. این نظر شخصی شما بوده و چند کلمه مترادف را برای تأکید کنار هم قرار دادن به قوت بحث نمی افزاید، دلایل غیر مقنع یا ضعیف و بی بنیاد است. احیاناً اگر این راپور نادرست و افتراء می بود، که در حاکمیت قانون اطلاعاتی امریکا نا ممکن است باید نویسنده از لحاظ قانونی مورد مؤاخذه مقامات ذیدخل امریکا قرار میگرفت. در راپور، شخص آقای بیات و افغانستان آنقدر مورد توجه نبوده بلکه پرده برداشتن از روی اسرار طرح های استخباراتی خود امریکا است. از کجا که مقامات امریکایی به افشاء این سیر روی دلایل خاص موافق بوده باشند.
- برای ده ها هزار هموطن، این راپور بیحد مهم و دلچسپ بوده، علاقمند بشمار دارد. آنهایی که بحیث نگران اوضاع وطن نفوذ رنگا رنگ بیگانگان را عامل بسی بد بختی های وطن میدانند و شاهد و ناظر تزلزل تدریجی حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت مملکت توسط عمال اجنبی اند، آگاهی به اسرار عقب پرده و افشای یک واقعیت که هم دردناک و هم ارزنده است اهمیت زیادی رادار است. مردم آگاه میگردند که چگونه اجنبیان توسط بکار بردن حيله های گوناگون از کاهی کوهی ساخته بر جامعه افغانستان تحمیل مینمایند. گمنام و شناخته نشده ای را زمامدار می سازند و نماینده منافع گوناگون اقتصادی و جاسوس خود را در لباس نوع پرور، مسکین دوست، دلسوز برای ایفای نقش های متنوعه میگمارند. درین جا آقای بیات مورد بحث نیست بلکه حيله و تزویر کار فرما مهم است. بعد از نشر این راپور معمای مغلقی برای مردم حل گردید. افشای همچو معامله گری ها از زبان و قلم هر شخصی، هر مرجع و هر منبعی که باشد با ارزش است، مهم نیست که امریکایی باشد یا هندوستانی. این افشاگری ها برگه های تاریخ کشور را تشکیل میدهد که شاید مؤرخ با احساس، با وجدان و طنخواه آنرا در آینده بنگارد.
- شما فرمودید که باید این افشاگری توسط یک نویسنده افغان صورت میگرفت و در آنصورت قابل اعتبار می بود. باید خاطر نشان ساخت که کدام نویسنده افغان در موقفی قرار دارد که به اسرار پس پرده KGB و CIA و FBI و MI6 دسترسی داشته باشد، فکر میکنم این یک توقع نا بجا، بیجا و بیمورد است. نقش نویسندگان افغان تا حال در ترجمه اسناد و مدارک مؤثق این سازمان ها بوده چنانچه تراجم دانشمندان محترم رحمت آریا و غوث جانباز و سائر دانشمندان در همین پورتال از منابع استخباراتی شوروی زمان و منابع استخباراتی امریکا و انگلستان بوده، تا حال منابع عمده اطلاعاتی ما در مسایل پوشیده و اسرار آمیز نوشته های امریکایی ها، جرمن ها، فرانسوی ها و روسی بوده است.

• ای کاش Julian Assange (جولیان آسانژ) افشاگر ویکی لیکس Wikileaks قبل از نشر اسناد سری مختلف سیاسی و نظامی در سطح جهانی مشوره جناب شما را می گرفت که آیا شما به آن افشاگری موافق هستید؟ آیا این افشاگری بنظر شما نابجا، بیجا و بیمورد نیست؟ علاوه‌آورد امریکایی‌ها نگفتند که این افشاگری توسط نویسنده غیر امریکایی صورت گرفته بناءً مدار اعتبار نیست. ولی چنین گفته نشد و این افشاگری در سطح جهانی بلا قید و شرط پذیرفته شد.

• شما از شرکت افغانی نام بردید، در حالیکه به استناد این راپور شرکت بیسیم پدیده طرح استخباراتی سه سازمان امنیتی و جاسوسی امریکا بوده ، سرمایه از امریکا و تعبیه تکنولوژی استخباراتی در وسایل مخابره بیسیم مفکوره این سه سازمان بوده، صرف یک افغان مورد اعتماد و همکار خوب بحیث روکش و دستاویز برای فریب عامه مورد استفاده قرار گرفته است. اگر به عوض آقای بیات شخصی دیگری به انجام این مأموریت موظف میگردید فعلاً موضوع بحث ما همان شخص می بود. درین جا عداوت و خصومتی خاصی در برابر آقای بیات وجود ندارد . جناب کرزی صاحب توسط امریکائیان به نقشی و بیات صاحب به نقش دیگری گماشته شده اند و این یک واقعیت غیر قابل انکار است . اینکه جناب شما تحت تأثیر عواطف عالیجنابانه بشری از این واقعیت چشم می پوشید اختیار به شما است.

• شما فرمودید که هموطنان از دزدی ها ، غارت ها، چپاول ها و ساخت و بافت و جاسوسی و معامله گری دیگران چشم پوشیده غیر عادلانه انگشت انتقاد بسوی بیات صاحب دراز نموده اند و شما از اشخاص معلوم الحال نام برده اید در حالیکه با تمام اظهارات شما در مورد سازمان متذکره و اشخاص یاد شده مخالفتی ندارم آنرا جداً تأیید می نمایم، ولی قابل تذکر میدانم که فهرست گناهان و جنایات دیگران موجب توجیه و تبرئه مزدوری، گماشتگی و جاسوسی دیگری شده نمیتواند و خیر و خیرات و مکتب سازی و شفاخانه، مسجد و خانقا و تکیه خانه که از گاوی غدود است لحاف کتمان را بالای چهره حقیقی کسی کشانیده نمیتواند.

• شما بخود زحمت تهیه لست مکمل و مفصل از خدمات بزرگ بنیاد بیات و نقش برارنده تلویزیون آریانا را داده اید. آری محترماً! شما تنها بیننده تلویزیون آریانا نیستید، این تلویزیون بیننده های بیشتر دارد، تلویزیونست که در سطح منطقه با کیفیت خوب خود موقوف قابل وصفی دارد. باید مسایل را عمیقتر دید، شما میدانید از افتخارات دست آورد های امریکا در افغانستان آوردن دموکراسی است و آزادی مطبوعات پایه قوی این مکتب سیاسی، باید دستگاه مجهز با کیفیت و با نشرات طراز و عالی ممثل این سوغات امریکایی باشد و از جانبی منابع سرشار مالی باعث استخدام بهترین استعداد ها گردیده و موجب ارتقای سطح نشراتی میگردد. به قرار معلوم اهل فن امرکائی و مجربین و متخصصین هندوستانی در پشت پرده در بخش های تکنیکی، تولید و هنری مصروف فعالیت اند یعنی پول است که سخن میگوید. در امریکا که حیثیت مادر کلان تلویزیون آریانا را دارد معجزه سرمایه را بنگرید که نخبگان، دانشمندان و بهترین استعداد ها و نابغه ها در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی ، اقتصادی، فرهنگی و هنری دنیا توسط شرائط فوق العاده مالی جذب شده اند. اگر تنها صنعت سینمای هالیوود ا بنگرید شما در آن مجموعه از استعداد های خارق العاده جهانی را می یابید. همینطور نقش سرمایه و اهداف خاص تبلیغاتی امریکا برای تظاهر دیموکراسی توسط تلویزیون آریانا تمثیل میگردد. چرا تلویزیون طلوع که از کیفیت خاص خود برخوردار بود و دست کمی از تلویزیون آریانا نداشت با کمبود سرمایه برنامه های بین المللی خود را قطع نمود.

• از کمک های مختلفه بنیاد بیات یاد کردید. این شیوه خاص کسب شهرت و اعتبار برای فرد خاصی غرض تحصیل اهداف طویل المدت اقتصادی و سیاسی است، این که میفرمائید چرا دگران نمی کنند و آفرین بیات ، باید با عمق نظری که دارید درک میفرمودید دیگران چپاولگران خود رو و بدون فراست اند و چون بیات رهنما و معلم و مربی ندارند حرص و آز و هوای نفس دستور دهنده دیگران است ولی بیات از دساتیر مؤسسات بزرگ تحقیقاتی و علمی مجرب بر خوردار بوده و راه آینده سفر سیاسی و اقتصادی اش تعیین شده است. در نظام نوین استعمار اقتصادی جهان بیات ها و امثال شان نقش اساسی و عمده خود را دارند. به من بگوئید که به استثنای استخدام کارمندان تلویزیون آریانا و افغان بی سیم آیا آقای بیات بنابر احساس واقعی وطندوستی و رهایی ابدی مردم بینوای کشورش از چنگال فقر و

مسکنت یک دستگاه تولیدی که پنج هزار نفر را استخدام نموده و یک امتعه مورد نیاز را تولید کند سراغ دارید؟ در حالیکه این نوع تشبثات در قلمرو سرمایه‌ی بیات صاحب گنجایش دارد.

- درست است که افغان بی سیم که تا هنوز علاوه بر تهیه خدمات مخابراتی نقش تثبیت شده استخباراتی خود را ایفا می نماید یک تشبث موفق است و با طلسم تبلیغات در جیب و اسکت دهقان و چوپان و در کچکول گدا تلفون بی سیم را جا داده ولی در عین حال با پرداخت رشوه به مقامات دولتی مانع نصب و توسعه تلفون های ثابت و خانگی میشود تا رونق بازار تلفون و کارت هایش کساد نشود.
- اینکه از میلیون ملیون دالر کمایی روزمره اندکی بسوی بینوا پرتاب میکند و اینجا و آنجا مؤسسه ای می سازد چون جناب شان مالیه پرداز امریکا اند آنرا توسط محاسبین چیره دستش ده چند محاسبه نموده معافیت مالیاتی میگیرند، دیگرانی که شما از آنها نام بردید مالیه پرداز امریکا نیستند و به این دغلی ها ضرورت ندارند، تنها می دزدند و به خارج ارسال می نمایند.
- موقف براننده جناب شما در حراست از اصالت و سچه نگهداشتن زبان دری قابل تقدیر و تحسین است همواره تجاوزات برهنه فرهنگی برای آلوده ساختن زبان ما با برخورد های عالمانه و دلیرانه شما مواجه گردیده، در همین نزدیکی شخصی بنام جامی برنامه ساز " امشب نوبت شما است " با ذکر کلمه "افغانستانی" بجای "افغان" مورد نصیحت پدرا نه و درس حکیمانه شما قرار گرفت. این یک مثال از هزاران داستان دیگر است که توسط تلویزیون آریانای آقای بیات تحویل جامعه افغان می شود "چون هنرش بنمودی عیبش را نیز بگو" روزانه به صدها (واژه) خاص که از بطن صنعتگران واژه سازی ایران زائیده میشود و در آغوش پر عطف دایه مهربانتر از مادر یعنی تلویزیون آریانای آقای بیات پرورش یافته در گلستان فرهنگ افغانستان به چار غوک می پردازد، ولی فقط شما به انگشت نهادن روی برنامه های مولوی فرید یونس اکتفا نمودید .

- محبت شما و صله رحم تان بحال غربا چنان احساسات رؤوف تان را شعلور ساخت که از آقای بیات یک نایغه ساختید. آیا شما تصور میفرمائید که برنامه های تلویزیونی آریانا توسط شخص بیات ویا معاون شان پروفیسور داکتر حاجی اسمعیل مدیریت و تنظیم میگردد. نوری صاحب محترم! امروز تلویزیون داری با تمام پهلوهای تخنیکی، تولیدی و هنری یک جهان تخصص، علم و فهم است. به سر سفید تان قسم که بیات صاحب از کوچه یکی از این تخصصات عبور نکرده، البته که رئیس کل اختیار و آمر مطلق العنان است اما به " شعر نمی فهمد". زور سرمایه و فهم تخنیکی از بیرون است که معجزه میکند. ورنه در طول این ده سال مقاله ای را به من نشان دهید که به قلم آقای بیات نوشته شده باشد، چه رسد به رساله و کتب و غیره.

نوری صاحب! شما مرد اصول و پابند اخلاقیات اطلاعاتی استید این موقف مدبرانه شما برای گفتن حقایق مشوق من بوده، و به یقین کامل این نوشته مرا دوستانه تلقی میفرمایید. من آنچه در توان قلم ام بود نوشتم و در این تبصره انگیزه جزء افغانستان وجود ندارد. دسایس، حیلها، بازی ها و معاملات مهم است نه اشخاص و باز یگران و قوف به اسرار پشت پرده و افشای چهره های مزدوران و گماشتگان به سود جامعه است ولو گماشته شده سخاوتی چون حاتم و گنجی چون قارون داشته باشد.

پایان